

وزیر علوم:

پرونده دانشجویان اخراجی مربوط به حوادث ۱۴۰۱ را یک‌به‌یک بررسی کردیم



وزیر علوم گفت، پرونده دانشجویان اخراجی را یک‌به‌یک بررسی کردیم. حسین سیمایی صراف دپروز پس از جلسه هیات دولت، در جمع خبرنگاران افزود: مواز اخراجی که مربوط به حوادث ۱۴۰۱ بود یک‌به‌یک بررسی و نظرات را به دانشگاه‌ها ابلاغ کردیم اگر موردی بود دانشجویان به دفتر بازرسی شکایات اعلام کنند.

کشف تازه باستان‌شناسان در حاشیه هامون



سرپرست هیات باستان‌شناسی قلعه «گیردی» در سیستان و بلوچستان گفت: با پایان فعالیت میدانی و بررسی و روشمند این حوضه باستان‌شناختی، بررسی با تیمی متشکل از ۵ باستان‌شناس در مناطق بیابانی جنوب‌دشت سیستان انجام شد. به گزارش روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی، مجتبی سعادتیان افزود: در این بررسی بیماری‌های گام‌به‌گام و پس از شناسایی و ثبت آثار منقول و غیرمنقول فرهنگی در محدوده‌های به وسعت حدود چهار هزار هکتار، محدوده پراکندگی حوضه فرهنگی قلعه گیردی مشخص شد. معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی سیستان و بلوچستان ادامه داد: در این بررسی قلعه ۲۲، ساختار معماری، ۳ بنای صنعتی، ۷ تپه باستانی، ۱۴ کوره پخت سفال و آجر، ۹ گورستان، ۲۶ آرامگاه، ۳ آس‌یاد و ساختارهایی در تباط با کنترل و انتقال آب شناسایی و برداشت فضاهای مختلف معماری آن به انجام رسید. به گفته این باستان‌شناس، از دیگر نتایج این بررسی می‌توان به کشف قطعات ارزشمند منقول شامل سفال‌های منقوش لعابدار، مهرهای تزئینی، اشیاء سنگی، اشیاء مفرغی، پیکرک انسانی و... اشاره کرد. محوطه باستانی گیردی در شهرستان هامون واقع در جنوب‌بخش سیستان استان سیستان و بلوچستان واقع شده و تا پیش از این اطلاعات باستان‌شناختی درباره آن در اختیار نبوده است.

حضور چهار گالری ایرانی

در دوازدهمین دوره از آرت‌فر کازمسکو



چهار گالری ایرانی به نمایندگی از هنر ایران در دوازدهمین دوره از آرت‌فر کازمسکو شرکت می‌کنند. به گزارش ایلتا، اولین حضور چهار گالری ایرانی به نمایندگی از هنر ایران در دوازدهمین دوره از آرت‌فر کازمسکو به تاریخ ۳ آبان رقم می‌خورد. آرت‌فر کازمسکو به عنوان رویدادی فرهنگی و بین‌المللی از سال ۲۰۱۴ در روسیه آغاز به کار کرده است. کازمسکو توسط مجموعه‌دار روسی، مارگاریتا پوکوشینا با هدف ایجاد نمایشگاهی متمکز بر هنر معاصر تأسیس شده که نه تنها بهترین آثار هنرهای معاصر را به نمایش بگذارد بلکه از هنرمندان و گالری‌های نوظهور نیز حمایت کند و نسل جدیدی از استعدادها را پرورش دهد. اکنون در این دوره از آرت‌فر کازمسکو ۱۶۳ گالری (۲۵ تا ۲۷ اکتبر) ادامه دارد. بیش از ۱۵۰ اثر هنری معاصر از ۹۱ گالری ارائه می‌شود و بخشی مختص هنر ایران با عنوان Persian section خواهد داشت که به هنر معاصر ایران تمرکز دارد. گالری آرت‌تیبیس و گالری باشگاه از جمله خواران در این بخش از آرت‌فر کازمسکو هستند که به نمایش آثار هنر معاصر ایران می‌پردازند.

مشکل باید بین مدیریت شهری و میراث فرهنگی رفع شود

آب چشمه‌علی به‌طور کامل قطع شده است



رئیس کمیته گردشگری شورای شهر تهران گفت: قطع آب چشمه‌علی مشکلی است که باید بین میراث و مدیریت شهری حل شود. «محمد علوی» در گفت‌وگو با خبرنگار ایلتا درباره مرمت چشمه علی و خشک شدن این چشمه گفت: مادر خصوص چشمه‌علی دو وظیفه داریم اول اینکه آنجا را مرمت، پارکینگ‌ها را درست و دسترسی‌ها را تسهیل کنیم که این اقدامات هم در حال انجام است و در حال حاضر خیلی از فضاهای اطراف چشمه‌علی تبدیل به بوستان شده است. وی ادامه داد: بخش‌هایی را که می‌توانستیم تملک کنیم این کار صورت گرفته است. سعی می‌کنیم که مسیر اتوبوس را برای آن‌ها درست کنیم تا گردشگران از آن استفاده کنند. رئیس کمیته گردشگری شورای شهر با بیان اینکه این اقدامات انجام شده است، گفت: نکته‌ای که وجود دارد این است، آب چشمه علی که عنصر حیاتی این مجموعه محسوب می‌شود، مدتی بود که کم شده بود و الآن به‌طور کامل قطع شده است. علوی خاطر نشان کرد: مردم چشمه‌علی را به آب چشمه می‌شناسند و سالیان قبل این چشمه وجود داشته است. حال دربارها اینکه کم شدن و قطع شدن آب به واسطه مترواست یا فرونشست آب یا هر دلیل دیگری که دارد ما با دوستان میراث فرهنگی صحبت کرده‌ایم. میراث فرهنگی در این منطقه یک پایگاه در محدوده شهرری دارد که پایگاه میراث شهری محسوب می‌شود و چشمه‌علی جز مجموعه‌هایی است که در اختیار این پایگاه قرار دارد.

معاون علمی رئیس‌جمهور خبر داد:

«محمد رضا عارف»، رئیس سازمان ملی هوش مصنوعی شد



معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور در خصوص حکم جدید پز نشکین برای سازمان هوش مصنوعی گفت: رئیس‌جمهور در حکمی ریاست سازمان ملی هوش مصنوعی و شش‌وی را به‌رودی آن‌را به دکتر محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور تفویض کردند. در این حکم، همچنین معاون علمی رئیس‌جمهور، به‌عنوان دبیر سازمان ملی هوش مصنوعی و جانشین رئیس‌منصوب شدند. به گزارش معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری: حسین افشین‌در خصوص برنامه‌های پیش‌روی این سازمان گفت: اجرای برنامه جامع اقدام ملی مشترک برای هوش مصنوعی و شکل‌دهی تأسیس و اسانسه سازمان ملی هوش مصنوعی توسط دکتر عارف و بنده در دستور کار قرار دارد. افشین‌نصریح کرد: بدین ترتیب، تنها سازمان ملی هوش مصنوعی از ذیل معاونت علمی خارج نشده است بلکه در عالی‌ترین سطح کامیتهی به‌فعالیت خود ادامه خواهد داد.



محمدحسین خدایی

به قول «جان برناردز» در کتاب «درآمدی بر مطالعات خانواده»، در جایگاه یک انسان اجتماعی، «خود» را فردی تحت تکلف فرض کنیم که نه می‌تواند رای دهد، نه راندگی کند و نه قانوناً کار مزدی تمام‌وقت داشته باشد. به‌واقع با این حجم از محدودیت، چه احساسی خواهیم داشت در قبال زندگی و چگونه خواهیم توانست فردیت و خودآیینی خویش را به‌عنوان یک کودک به‌دست آوریم؟ این محدودیت‌تلخ را عیان می‌کند دوران کودکی و نوجوانی ما انسان‌ها است و امکانی برای شناخت طفولیت و حدومرز آزادی و مسوولیت‌پذیری آن دوره از زندگی. به هر حال در مباحث جامعه‌شناسی چندانی که باید به دوران «کودکی» پرداخته نشده است و مطالعه در این باب از میانه قرن بیستم گسترش یافته و نشانه‌های بوده از غفلت بزرگسالان در رابطه با مطالعات کودکی. به هر روی تاریخ‌پیش‌را این واقعیت تلخ را عیان می‌کند که انسان‌ها در طول پیشرفت تاریخی خویش، همیشه با تعافلی از دوران کودکی عبور کرده و در مقام فردی بالغ، طفولیت را همچون مقدمه‌ای نه چندان بااهمیت برای رسیدن به بزرگسالی دانسته‌اند. دوران کودکی در نظر به پردازش‌های کلان جامعه‌شناسی، اغلب غایب بوده و حضورشان پذیرای منفعل‌اعمالی است که بزرگ‌ترها در روند تربیت فرزندان به اجرا می‌گذارند. کودک همچون موجودی غریبه‌اشنا، همیشه بی‌اهمیت بوده و مرحله‌ای برای فرایند اجتماعی شدن.

حال با این مقدمه جامعه‌شناختی به نمایشی بپردازیم که فرم‌اجزایی متفاوتی را بر گزیده و به لحاظ زیباشناسی، حرف تازه‌ای بسرای تئاتر بدنسه دارد. نمایش «آدمیچه» به کارگردانی جابر رضانی که این شب‌ها در سالن استاد سمندیان مجموعه ایران‌شهر بر روی صحنه است به دوران کودکی و نوجوانی چند نفر می‌پردازد و با نگاهی خلاقانه به نمایشنامه «مبتدی‌ها» اثر «تیم کراچ»، تلاش دارد بار دیگر نسبت‌ما بزرگسالان را با سال‌های ابتدایی زندگی بکاود. مکانی

که انتخاب شده و ویلایی است تفریحی در شمال ایران که قرار شده میزبان چند خانواده ایرانی باشد. به‌مانند سال‌های پیش برای این جماعت، چنان برنامهریزی شده که والدین و فرزندان چند روزی را در این منطقه خوش‌آب و هوا بگذرانند و تجربه به یادماندنی باهم بودن را برای هم‌رقم‌زندان، اما شواهد امر این‌گونه نشان می‌دهد که گویی فرزندان این چند خانواده حوصله‌شان سر رفته و در غیاب پدر و مادرشان، ساعات ملال‌انگیزی را طی می‌کنند و در نتیجه صحبت‌هایشان در باب مسائل پیش‌آمده و خاطرات گذشته، پر تنش است و مجادله‌آمیز. نام‌هایی چون آری، شادی، امان و نگار این اشاره به چهار نفری است که به همراه گروه‌های که دنیا نام دارد و نقش‌را آنالی شکوری ایفا می‌کند در اتاق مخصوص بچه‌ها مستقر شده و هر کدام تختی از آن خود داشته و گاهی بر سر فتح قلمرویی که با یک تخت‌خواب نمود می‌یابد یا یکدیگر سر جنگ دارند.

«آری» با بازی کمال کلاتر، توهم‌دکتر بودن دارد و سعی می‌کند در مسائل مختلف که حتی به او مربوط نیست، مداخله کند. «شادی» با نقش آفرینی فرزانه میدانی، دختری است مغموم، اغلب بی‌تفاوت، گاهی عصبانی و کم‌حرف. همچنانکه «نگار» با بازی سوگل خلیق که دختری است مدعی داشتن یک بچه که از قضا دیگران اعتقاد دارند اصلاً وجود خارجی ندارد، و صد البته شخصیت «امان» با اجرای رضا قوام‌زاده که گو یا افغانستانی است و امسال به دلیل حضور پیدا نکردن یکی از بچه‌های خانواده این امکان را یافته چند روزی را در این ویلای ساحلی سرکند.

جابر رضانی در نمایش «آدمیچه»، فضای انگلیسی‌نمایشنامه تیم کراچ را به ایران این روزها منتقل کرده و تلاش دارد به حال و هوای زندگی روزمره اینجا و اکنون نزدیک شود. چهار بازیگر بزرگسال و چهار بازیگر کودک، کایفاگر نقش‌ها هستند. یعنی هر نقش را دو بازیگر به اجرا می‌گذارند. بنابراین جنس به دوران کودکی و نوجوانی چند نفر می‌پردازد و با نگاهی خلاقانه به نمایشنامه «مبتدی‌ها» اثر «تیم کراچ»، تلاش دارد بار دیگر نسبت‌ما بزرگسالان را با سال‌های ابتدایی زندگی بکاود. مکانی

درباره نمایش «آدمیچه» به کارگردانی جابر رضانی

گذر شتابناک کودکی به بزرگسالی در خانه ساحلی غرق در باران

فردا به نمایش می‌گذارد. به دیگر سخن نمایش «آدمیچه» بر این نکته تأکید دارد که مفهوم «کودکی» بیش از آنکه یک امر بیولوژیک باشد مربوط است به مفهومی از زندگی. برای توضیح این مسئله شاهد هستیم که چگونه در طول اجرا، گاهی یکی از بازیگران بزرگسال از صحنه خارج شده و بازیگر کودک همان نقش جای‌ورا می‌گیرد. این جایجایی‌ها و جایگزینی‌ها، به‌تأویب و ضرورت اتفاق افتاده و بدن دو بازیگر که یک نقش را بازی می‌کنند، هویتی واحد از یک‌آدم‌را بازنمایی می‌دهند. نقطه‌ای که کودکی، نوجوانی و بزرگسالی یک فرد باهم تلاقی کرده و این امکان مهیا می‌شود که یک شخص به میانه‌جی بدن‌های متکثر بر صحنه رویت‌پذیر شده و این حقیقت را آشکار کند که مفهوم کودکی با بالا رفتن سن، از بین نمی‌رود و حتی در بزرگسالی به اشکال مختلف ادامه یافته و زندگی را معنایی تازه می‌بخشد.

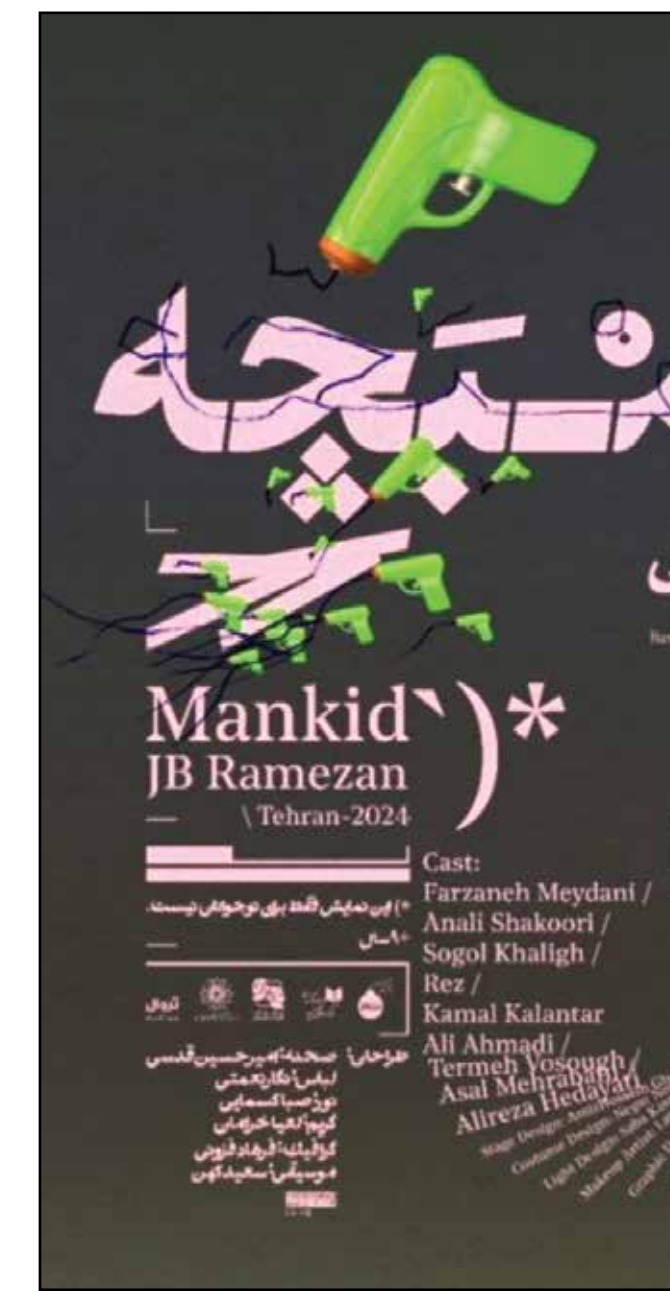
یکی از رویکرهای قابل‌اعتنای نمایش «آدمیچه» در قبال مفهوم کودکی در صحنه انتهای به اجرا درمی‌آید. لحظاتی که بازیگران بزرگسال که اغلب حرف‌های هستند بیرون رفته و صحنه در اختیار کودکان قرار می‌گیرد. در این دقیق است که مفهوم کودکی از زیر بار سنگین بزرگسالی‌رها بیافته و اجرا لحن کودکانه‌ای می‌یابد. اینجاست که طفولیت و نوجوانی صحنه را فتح کرده و نمایش «آدمیچه» به تمامی کودکان می‌شود. از نکات قابل‌اعتنای دیگر بی‌شک هدایت بازیگران کودک است که به خوبی صورت گرفته و حضورشان را تأثیرگذار و شورانگیز کرده است. این کودکانی هستند که برای از کار انداختن ملال عصرگاهی تابستان بارانی، یک نمایش فانتزی را ترتیب داده‌اند تا شاید موجب خشنودی مادر بیمار «شادی» شود. نقش این مادر را فرزانه میدانی بازی می‌کند. زنی بیمار و گرفتار سرطان که با ورودش به اتاق بچه‌ها، مایل است به تماشای هنرنمایی بچه‌ها بنشیند و از این طریق شور و شوقی زاندا لوصول را برای آنان رقم زند. به‌واقع تماشای این فانتزی کودکانه که تقابلی است مابین میل به زندگی در مواجهه با هجوم بی‌امان مرگ لذت‌بخش و فراموش‌نشدهی است. جابر رضانی با فرستی که در انتهای نمایش به کودک داده، این امکان را فراهم می‌کند

که با قصه‌های فانتزیک، دنیایی زیبا و برادگانه تصور شود. تا شاید فرصتی باشد برای نجات دنیای بیمار ما در این لحظات است که از آن خشونت ابتدایی خیر چندانی نیست و بار دیگر این کودکان هستند که با اجرای یک تئاتر، از ملالت جهان کاسته و همزیستی را به دیگران هدیه کنند.

در نهایت می‌توان گفت نمایش «آدمیچه» از آن است جسورانه از جابر



کنار هم، ساختار دراماتیک مستند را شکل می‌دهد برای نمونه شاهد رفتار سرد، خشن و حتی غیر انسانی وی و رحمانه پیرمرد با همسر و اشنایان هستیم. او دست به دعوای خوبی دارد و زود عصبانی می‌شود اما فیلمساز توانسته در میان این همه تاریکی و سیاهی، بخش‌های سفیدی نیز به شخصیت او اضافه کند تا در نهایت با یک چهره خاکستری و باورپذیر طرف باشیم که با وجود سنگ‌دلی‌های ظاهری، دل‌نازکی نیز دارد. ورود پرند کوچک به خانه پیرمرد چه سهوی و چه عمدی، باعث تطهیر چهره خشن او شده است. بر خورد عطف‌ت آمیز او با پرند نه‌توانسته وجود دیگر شخصیتی پیرمرد را عیان کند و این به‌طور قطع از هنرمندی‌های گروه نویسندگی و کارگردانی بوده که قادر بوده از یک چهره به‌ظاهر سیاه و خشن، تصویری خاکستری و باارقهایی از انسانیت به‌نمایش درآورد. مدل‌گفتگوها، تدوین و روند داستانی شکلی شیرین و فانتزی پیدا کرده هر چند اصلاً با بی‌مزی‌گی و لوئدی‌گی همراه نیست. این اندازه نگه داشتن انصاری در مقام فیلمساز از دیگر مزیت‌های فیلم است که سبب همراهی بیشتر مخاطب و باورپذیری کار شده است. تماشاگر به تدریج داستان بازیگری پیرمرد در نقش عمر سعد و زندگی شخصی او را از طریق تصاویر نزدیک و گفتگو با وی می‌بیند و فراز و فرودهای زندگی او از جدایی از همسر تا برخورد بد مادر به مخاطب معرفی می‌شود. گزیده این گفتگوها و کنار هم قرار دادن آنها کنار هم باعث شده زندگی فرد به‌ظاهر عادی و معمولی برای مخاطب مهم شود و این هنرمندی فیلمساز در پرداخت سوز و پر از ش شخصیت را نشان می‌دهد.



زیاد و آموزش درست بر صحنه قدم گذاشته و هوایی تازه به فضای رختاک تئاتر بدنه تزریق کنند. کودکی مفهومی است که چندان به آن پرداخته نشده و تئاتر به‌عنوان یک نهاد اجتماعی می‌تواند با ساختن اجتماعات کوچک و بزرگ انسانی که بر مدار کودکی می‌گردد، بار دیگر جهان ما را قابل زیست‌تر کند. به وقت نواختن شدن شبیورهای جنگ و به کودکان این فرصت را دهد که تا بهترین

رضانی است که به دوران کودکی ما انسان‌ها می‌پردازد و از یک منظر تازه، با کنار هم قرار دادن بزرگسالی و نوجوانی، این نکته را تذکار می‌دهد که نمی‌توان به راحتی از دوران حساس کودکی گذشت و سراسیمه، بنابراین منطق پیشرفت در سرمایه‌داری، به‌سوی موفقیت در بزرگسالی تاخت. تئاتر این روزها می‌احتیاج دارد از طریق این چنین اجراهایی، به کودکان این فرصت را دهد که تا بهترین

در نهایت، می‌توان اولین ساخته فیلمساز ۲۵ ساله تهرانی را که پیش از این، یک فیلم کوتاه داستانی با عنوان «عروس کشتون» که از او به نمایش درآمده است، فیلمی قابل قبول و پاراساحمدی را از چهره‌های مستعد در عرصه مستند و داستانی دانست که به فراز و فرودهای دراماتیک و تعلیق داستانی آگاه است و آثار بعدی او با همین روال، می‌تواند کنج‌گاو انگیز باشد.

فیلم، دیپلم افتخار بیستمین جشنواره فیلم کوتاه نپال به مستند «شور» رسید. همچنین این فیلم جایزه بهترین تدوین این جشنواره را نیز کسب کرد. علاوه بر تقدیر داوران، تماشاگرانی که به تماشای مستند نشستند بودند نیز به‌طور عمده ابراز رضایت و خوشنودی از فیلم کردند.

انصاری در گفت‌وگو و یدئویی با سایت جشنواره فیلم کوتاه درباره ایده ساخت این مستند یادآور شده که سوزه این فیلم از مستند قبلی او نام «عروس کشتان» آمده است. او به‌طور مستقیم به مراسم عروسی اشاره رفته تا نوع برخورد و کنش‌های آنها را ضبط و به ثبت برساند. این فیلم از کنج‌گاو انگیزترین فیلم‌های امسال جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه است.

مستند فرشته‌ها ساخته مهدی زمانپور کیاسری

مهدی زمانپور کیاسری نام آشنایی برای مستندسازان ایرانی است او هر بار با حضور در جشنواره سینما حقیقت علاوه بر رونق بخشی به جشنواره، رضایت بخش زیادی از مخاطبان را نیز بدست آورده و دنبال‌کنندگان سینمای مستند خاطرات مستندهای «پاپلی»، «آب‌باک‌خان‌نان» و «کل فاطمه» را هنوز از یاد نبرده‌اند.

مستند جدید زمانپور کیاسری در ادامه توفیقات قبلی وی، در روز دوم جشنواره در پردیس سینمایی چارسو به نمایش عمومی درآمد. مستندی که روایتگر یک خانواده سه نفره است که ابتدایی پدر و مادر به نابینایی، شرایط زندگی آنها را با دیگر خانواده‌های مشابه متمایز کرده است و وضعیت زندگی این خانوار سوری تاحد زیادی پیچیده و طاقت‌فرسا به نظر می‌رسد.

پرداخت زمانپور کیاسری به زندگی این خانواده نقطه عطف و محل تمایز این فیلم با آثاری این چنینی است چرا که برای تماشاگر که فیلم را ندیده احتمالاً این تصور ایجاد می‌شود که قرار است با فیلمی روبرو شود که سراسر ناله و سخرتی است و به مخاطبان این پیام اخلاقی را برساند که قدر سلامتی خود را بدانند و با اینگونه افراد مهربان‌تر باشند! کیاسری اما در جایگاه کارگردان و محقق نگاه متفاوتی به این خانواده داشته و آنها را به شکل فرشته‌هایی آسمانی تصویر کرده است. تصویری که باورپذیر است و سعی می‌کند موثر و همراه‌کننده باشد به گونه‌ای که در طول ۲۷ دقیقه تماشای فیلم، به‌سختی می‌توان از هیچ نما و دیالوگی از کاراکترها چشم‌پوشی کرد.

وجه مثبت دیگر آثار کیاسری توجه به تمام ابعاد سینمایی یک فیلم است در حالی که مستندسازان نسل جدید عموماً به تکنیک یا سوزناک‌انگامی‌کنند، کیاسری از فیلمنامه و متن تا نور، رنگ، صدا، موسیقی و اجرا همه را به بهترین شکل مورد نظر دارد و این یکی از امتیازات فیلم‌های وی محسوب می‌شود که از ابعاد مختلف می‌توان درباره آن حرف زد و دوستداران سینمای هنری تا هواداران فیلم‌های معناگرا و حتی فلسفی و خانواده‌های معمولی، می‌توانند مخاطب فیلم‌های وی باشند.

مهدی زمانپور کیاسری کارگردان مستندهای «مشتی اسماعیل»، «پاپلی»، «کل فاطمه»، «آب، باد، خاک، نان»، «آسک» و... درباره‌ی این اثر گفت: «اسفند ۱۴۰۱ برای برگزاری یک ورک‌شاپ تخصصی «کارگردانی مستند برای مستندسازان سوری» به‌سوریه رفته بودم و حدود ۲ هفته‌ای در آنجا حضور داشتم. هفته اول به‌صورت نظری گذشت و هفته دوم باید به‌صورت عملی کار می‌کردیم و یکی از شرکت‌کنندگان دوره درباره خانواده‌ای صحبت کرد که از این خانواده سه نفره دو نفر نابینا بودند و وی مستند خبری از این سوزه کار کرده بود که آن را در کلاس دیده و آنالیز کردیم.»